

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تدبر در قرآن

سوره مبارکه ملک

استاد ضرابی دی - بهمن ۱۴۰۰

جلسه دوم ۱۴۰۰/۱۱/۹

آیه شریفه : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - به نام خداوند رحمتگر مهربان- قسمت دوم»

عنوان: حق جان جهان است و جهان جمله بدن!

در آیه شریفه « وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ » اصحاب جهنم اعتراف می‌کنند که عاقلانه رفتار نکرده اند یعنی باید یا اهل تخصص می‌بودند و یا از متخصصین پیروی می‌کردند، یا خود اهل تعقل و فهم مصالح و مفاسد امور بودند، یا با پیروی از نیکان و گوش سپردن به توصیه‌های آنها زندگی می‌کردند تا جهنمی نمی‌شدند.

خداوند متعال در آیه شریفه « إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ »، وعده مغفرت و پاداش به کسانی می‌دهد که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند؛ زیرا که این خصوصیت، علامت اخلاص در عبادت است و عبادت از روی اخلاص، مقبول درگاه الهی است؛ عبادتی که پذیرفته شده باشد، هرگز کوچک و ناچیز نبوده، پاداش بزرگی به آن تعلق خواهد گرفت که همان بهشت رضوان الهی است. بنابراین بسیار مهم است که بدانیم چگونه می‌توانیم کارهای خود را خالصانه، فقط و فقط برای خدا انجام دهیم؟ « قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ - بگو همانا من مأمورم که خدا را پرستش و دینم را برای او خالص گردانم. (زمر/ ۱۱) »

اخلاص، یعنی خالص کردن و اخلاص در عمل و ایمان، یعنی این که انگیزه اصلی در انجام کارها، بندگی و رضای ذات حق تعالی باشد، نه رضایت غیر او.

برای رسیدن به مقام اخلاص هم باید موانع اخلاص یعنی، ریاکاری، دلبستگی به دنیا و وسوسه های شیطان را برطرف نمود و هم از طریق تقویت ایمان، شناخت ذات خداوند، تفکر درباره اهمیت اخلاص و ضررهای عدم اخلاص، احساس کوتاهی در بندگی خدا و درخواست مداوم از خداوند، مراتبی از اخلاص را بدست آورد.

گر تو خواهی دولت طاعت کنی طاعت صدساله يك ساعت کنی
تو مکن يك لحظه طاعت را رها پس مکن تو طاعت خود را بها

در تحصیل اخلاص هیچ عاملی موثرتر از حاضر دانستن خداوند نیست. از این رو می‌فرماید: « وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ - خداوند به سخن پنهان و آشکار شما و به راز دلها آگاه است » اما چگونه به این ایمان می‌توان رسید؟ پاسخ این است که « أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ - آیا آن کس که آفریده است نمی‌داند؟ [درحالی‌که از خلقت حکیمانه‌اش می‌بیند که] او [از اسرار دقیق آنها] باخبر و آگاه است. » دو صفتی که از خداوند در انتهای دو آیه اخیر آمده « ... عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ * ... هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ »، همان‌طور که درباره « ... وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ » در آیه دوم گفته شد، بندگان را به راه تحصیل این صفات هدایت کرده و می‌گوید: آنها که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند (إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ) و از گوهر اخلاص بهره دارند خداوند مغفرت و اجر کبیر را که آگاهی از درون و بیرون پدیده‌ها و جلوه‌ای از « عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ » است، به آنها عطا می‌کند و نیز با توفیق تدبیر در کریمه « أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ » آگاه و بصیرشان می‌گرداند.

ظهور قدرت و علم و ارادت به تست ای بنده صاحب سعادت

نگریستن در آئینه لطایف و دقایق حکمت وجود مخلوقات، سیمای خالق لطیف و خبیر (آگاه به اسرار و دقایق امور) را بخوبی نشان می‌دهد آنچنان که در تصدیق بندگان، به حضور خداوند و بازگشت به سوی او کمک بزرگی است « وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ - و بی‌شک شما از نشأ اول خود آگاه شدید (زندگی در دنیا و طبیعت) پس چرا متذکر (عالم آخرت) نمی‌شوید؟ » (واقعه/۶۲) ؛ از این جهت خداوند خود را در سیمای آفریده هایش نشان می‌دهد: « هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ - اوست

کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن راه بروید و از روزی [خدا] بخورید و و [بدانید بازگشت و] رستاخیز همه، تنها به‌سوی اوست.»

حق جان جهان است و جهان جمله بدن
افلاك و عناصر و موالید اعضا
توحید همین است و دگرها همه فن

اما چه چیز سبب می‌شود، انسان از این همه اسباب بیداری و هدایت، بهره نگیرد و در خواب غفلت باشد؟ در آیات بعد توهماتی که انسان را به این غفلت دچار می‌کند ذکر شده است؛ «أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ» - آیا از این ایمن هستید که خداوند حاکم بر آسمان شما را در زمین فرو برد؟ «أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٌ» - یا ایمن هستید از اینکه خداوند حاکم بر آسمان طوفانی از شن بر شما فرستد؟!...»

«اگر چنین است به عاقبت منکران پیش از خود نگاه کنید - وَ لَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ» در نتیجه اگر می‌بینید زندگی آرامی دارید باید بدانید که این آرامش مانند پرواز پرندگانی است که بالای سرتان، بال‌های خود را باز کرده و جمع می‌کنند، آیا جز خداوند رحمان کسی آن‌ها را بر فراز آسمان نگه می‌دارد، چرا که او به هر چیز بیناست «أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَ يَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ» در این آیه شریفه نیز که خداوند با صفت «بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ» ذکر گردیده، بندگان خدا، به تحصیل بصیرت، از راه تدبیر نظام حکیمانه‌ای که پرندگان را در آسمان نگه می‌دارد دعوت شده‌اند تا در پرتو این همه لطافت و حکمت، پی به خداوند رحمن و بصیر به همه امور، ببرند.

عنوان: جهان جمله فروغ نور حق دان

عوامل غفلت آفرین دیگری در آیات بعدی ذکر گردیده که منشأ فریب در نوع بشر شمرده می‌شود و آن فریفته شدن به توانایی است که خداوند به آنها ارزانی فرموده است «أَمْ مَنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ» آیا لشکریان شما می‌تواند را در برابر خداوند یاریتان دهد؟! کافران گرفتار فریبند.

از برون نرم و از درون پر زهر
مغرور مباش بر خط و خال تنش
زهر است اگر دست نهی در دهنش

هست چون مار گرزه سیرت دهر
مارست جهان بترس از مکر و فنش
نرمی است اگر دست کشی بر بدنش

برای خلاصی از این غرور و فریب بی‌جا تنها کافی است تصور کنند که اگر خداوند از دادن روزی اش به این لشگریان، دریغ کند، چه کسی روزی آنها را تأمین خواهد کرد؟ ولی کافران بخاطر لجاجتی که دارند موفق به تحصیل این هدایت‌ها نمی‌شوند. «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ»

خداوند در آیه بعد دلیل عدم توفیق کافران را در تحصیل هدایت با توصیف صورت برزخی آنها آشکار می‌کند (یعنی این تنها یک تشبیه نیست) و آن کسی است که بخاطر دلبستگی‌ها و جهالت‌ها و رذالت‌هایش، زمین‌گیر شده و با صورت به زمین افتاده؛ به نحوی که راه زندگی و درست و نادرست را نمی‌تواند ببیند یا تشخیص دهد؛ در مقابل کسی که سالم و تندرست و راست قامت روی پای خود ایستاده و با علم و آگاهی گام‌های استوار، برمی‌دارد. «أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

خداوند به همه نعمت سلامت و برخورداری از چشم و گوش و عقل را عنایت فرمود اما کمتر کسانی هستند که شکر این نعمت‌ها را که استفاده صحیح از آنهاست، بجا آورند. «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»

ای آنکه مقیم کوی یاری
چون بخت بکام تست گاهی
ایاد از من و حسرت من آری
خداوند پیامبران خود را مأمور به راهنمایی مردم کرده است که آنها را از هدف زندگی در روی زمین و عاقبت نیک و بد اعمالشان و بازگشت به سوی پروردگارشان، آگاه کنند، ولی آنها در مقابل این همه لطف و دلسوزی، می‌پرسند که اگر راست می‌گویید وقوع قیامت، چه زمانی است؟! «وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» خداوند نیز چون اطلاع از زمان وقوع قیامت را به صلاح آنها نمی‌داند، به پیامبرش می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ» اما آنچه را که دانستن آن مفید و اصلاح کننده است و باید دانسته شود را به آنها اطلاع می‌دهد: «فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ» هنگامی که وقوع قیامت را از نزدیک ببینند، صورت کافران زشت و سیاه خواهد شد و به آنها گفته می‌شود: این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید!!

در چنین روز اهل ایمان به رحمت خداوند امیدوارند اما کافران با انکار مبدأ و معاد هیچ امیدی به نجات خود نخواهند داشت. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَ مَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» در آن روز آنچه باعث نجات و رستگاری است، ایمان به خداوند رحمان و توکل بر اوست «قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» و سرانجام همه گفتارها و تلاش‌های پیامبران و هادیان طریق در این یک نکته خلاصه می‌شود که اگر توانستید چشم امیدتان را از غیر خدای هستی بخش بردارید و به او که سرچشمه هر کمالی است، متصل شوید، به مالکیت و قدر و ثروت حقیقی دست یافته‌اید. زیرا آب حیات و هستی که عطای اوست اگر از دستتان رفت (اعم از حیات مادی و معنوی ...) چه کسی قادر به بازگردانیدن آن خواهد بود؟ «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ - بگو: به من خبر دهید اگر آب‌های [سرزمین] شما در زمین فرو رود، چه کسی آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار می‌دهد؟!»

جهان جمله فروغ نور حق دان حق اندر وی ز پیدائست پنهان
 خرد را نیست تاب نور آن روی برو از بهر او چشم دگر جوی
 شکی نیست که شرافت حیات معنوی بیش‌تر از حیات مادی انسان است.
 حسن‌بن‌محبوب از امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که آن جناب فرمود:
 «به ناچار فتنه بسیار شدید و سختی روی می‌دهد که هر دوست و مصاحبی از ما در آن فتنه می‌افتد. و این فتنه هنگامی است که شیعیان سؤمین اولاد مرا گم می‌کنند و او از میان ایشان می‌رود که بر او اهل آسمان و زمین گریه می‌کنند و هر مرد و زن تشنه دیدار او می‌باشند و هر غمگین و حزینی او را طالب می‌باشند و بر دیدن او حسرت می‌خورند. پس از آن فرمود: «... قَالَ بِأَبِي وَ أُمِّي سَمِيُّ جَدِّي شَبِيهِي وَ شَبِيهٌ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (علیه السلام) عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ... - پدر و مادرم فدای او باد که اوست همانم جد بزرگوارم و شبیه من و شبیه موسی‌بن‌عمران (علیه السلام) و برتن او لباس‌هایی از نور می‌باشد که به شعاع روشنایی قدس افروخته می‌شود. چه بسیار مرد و زن مؤمن و مؤمنه که سرگردان و غمگین می‌باشند و تشنه آن آب شیرین و گوارا هستند. گویا ایشان را می‌بینم که در اوقات عمر خود به دیدار او موفق نمی‌شوند و از دیدن او مأیوس هستند. و ندایی شنیده می‌شود که از دور و نزدیک همه آن را

می‌شنوند. اوست رحمت بر مؤمنین و عذاب بر کافرین» (عیون أخبارالرضا، ج ۲، ص ۷)

جز رحمت چشمان تو، دنیا چه می‌خواهد
حالا که موسایم شدی راهی نشانم ده
شاید بپرسی از چه دنبال دَمَت هستم
تشنه به غیر آب، از دریا چه می‌خواهد
غیر از نجات، این قوم از موسی چه می‌خواهد
دل مرده نوعاً از دَم عیسی چه می‌خواهد؟
وصلی الله علی محمد وآله